

ارزشیابی اثرات اجرای سیاست اسکان مجدد در نواحی روستایی مبتنی بر رهیافت معیشت پایدار (مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان آوج)

فرهاد عزیز پور- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیای انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
فاطمه امیری^۱- کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیای انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۱ تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۱۲/۱۳

چکیده

جابه‌جایی به معنای "عمل مکان‌گزینی جدید" یکی از سیاست‌های اجرایی است که برای بازسازی پس از وقوع بلایای طبیعی یا انسانی اتخاذ می‌گردد. این بلایا به هنگام وقوع؛ معیشت جامعه آسیب‌دیده را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این پژوهش سعی شده است که اثر این سیاست بر مؤلفه‌های معیشت پایدار در روستاهای آبدره، چنگوره و سعیدآباد از توابع بخش مرکزی، دهستان حصار ولی‌عصر در شهرستان آوج، مورد ارزشیابی قرار گیرد. روش پژوهش در تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی از نوع زمینه‌یاب یا پهنانگر (پیمایشی) بوده و براساس هدف کاربردی است. جامعه آماری مورد مطالعه خانوارهای سه روستای مذکور هستند. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران مجموعاً ۲۱۲ خانوار برآورد شد. برای انتخاب نمونه‌ها، از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شد. برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز، از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی، فن پرسشگری و ابزار پرسشنامه استفاده گردید. همچنین، از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی (تحلیل واریانس، رگرسیون و تحلیل مسیر) و نرم‌افزار SPSS برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده گردید. براساس یافته‌های پژوهش این نتیجه حاصل شده است که اجرای سیاست اسکان مجدد- در چارچوب اقدام جابه‌جایی - تا حدودی توانسته زمینه‌ساز ارتقای مؤلفه‌های معیشت پایدار در روستاهای جابه‌جا شده شود. تحلیل وضعیت معیشت پایدار به تفکیک مؤلفه‌های آن نشان داده است که؛ سرمایه فیزیکی از وضعیت خوبی برخوردار است؛ سرمایه‌های طبیعی، مالی و اجتماعی دارای وضعیت متوسط هستند و سرمایه انسانی در وضعیت نامناسب قرار دارد.

واژگان کلیدی: سیاست اسکان مجدد، جابه‌جایی، ارزشیابی، معیشت پایدار، شهرستان آوج

مقدمه

در طول حیات بشر، همواره عوامل تهدیدکننده حیات انسان‌ها و سکونت‌گاه‌های آن‌ها وجود داشته است. این عوامل تهدیدکننده را می‌توان به دودسته عوامل طبیعی و عوامل انسانی تقسیم نمود. در سراسر دنیا، وقوع این‌گونه بلایا تبدیل به چالشی بزرگ بر سر راه سکونت‌گاه‌های انسانی گردیده و خسارت‌های فراوانی به بار آورده است. غالباً تخریب عظیم، اختلال عملکرد جوامع آسیب‌دیده (Carrasco et al., 2016)، مرگ‌ومیر، صدمات، بیماری‌ها و سایر تأثیرات منفی بر سلامت جسمانی و روانی مردم آسیب‌دیده؛ از جمله پیامدهای بلایای طبیعی هستند (Xu et al., 2016). در میان بلایای طبیعی «زلزله» از مخرب‌ترین بلایا در جهان به شمار می‌آید (سجاجی قیداری و همکاران، ۱۳۹۳). به‌طوری‌که، آمار جهانی زلزله نشان می‌دهد که در صدسال اخیر، بیش از یک هزار زلزله مخرب در هفتاد کشور جهان به‌وقوع پیوسته و جان ۱/۵۳ میلیون نفر را گرفته و خسارات مادی فراوانی نیز به بار آورده است (نوروزی، ۱۳۹۱). کشورمان نیز به دلیل قرارگیری بر روی کمربند عمده و بزرگ لرزه‌خیز آلپ - هیمالیا و وجود گسل‌های پر ریسک، به یکی از کانون‌های فعال لرزه‌خیز تبدیل شده است. به‌طوری‌که طی ۹۰ سال اخیر، بیش از ۸۵ زلزله مخرب در ایران روی داده و بالغ بر ۱۲۰۰۰۰ کشته برجای گذاشته است (جلالیان، ۱۳۹۴).

ازاین‌رو؛ برای بازسازی روستاهای آسیب‌دیده یا تخریب‌شده در اثر بروز بلایای ذکرشده، از "سیاست اسکان مجدد" که به‌منظور توسعه روستایی و به‌ویژه نظام‌بخشی به توزیع بهینه نقاط روستایی و تأمین امکانات و خدمات مورد نیاز روستاییان و درنهایت حفاظت از روستاییان در برابر انواع خطرات مطرح شده است (حیدری ساریان و همکاران، ۱۳۹۵)؛ در قالب دو الگوی درجاسازی و جابه‌جایی (الگوی جابه‌جایی متصل، جابه‌جایی منفصل، تجمیع و ادغام)؛ استفاده می‌کنند. در الگوی «جابه‌جایی و انتقال» که به‌صورت روزافزون به کار گرفته می‌شود، به علت حجم زیاد تخریب‌های ایجادشده در صورت مساعد و مناسب بودن اراضی پیرامون روستا-مکان سکونتی به نقطه‌ای در جوار مکان قبلی انتقال‌یافته و اقدام به ساخت می‌کنند. به سخنی دیگر؛ جابه‌جایی عبارت است از؛ عمل انتقال افراد و گروه‌های انسانی از مکان زندگی مألوف به مکان دیگر، از طریق برپایی واحدهای مسکونی جدید و تأمین دارائی‌ها، از جمله زمین مولد و زیرساخت‌های عمومی (سازمان دهیاری‌ها و شهرداری‌ها، ۱۳۹۴).

سیاست جابه‌جایی در سطح جهانی، دارای قدمتی طولانی است و گزارش‌های متعددی در این رابطه وجود دارد. مرکز بین‌المللی پایش جابه‌جایی^۱ ۲۰۱۵؛ جابه‌جایی‌ها در سطح جهان را به تفکیک قاره، نوع حادثه، تاریخ شروع، مجموع افراد جابجا شده، طول مدت جابه‌جایی و ملاحظات و پیامدها ذکر کرده است (IDMC, 2015). گزارش اورتولانو و همکارانش بررسی دقیقی از پروژه سد جویبار^۲ بزرگ ایالات متحده به عمل آورده‌اند. این پروژه که در

1 IDMC

2 Grand Coulee

سال ۱۹۳۳ آغاز گردید، بیش از چهل و دو سال بین سال‌های ۱۹۳۳ تا ۱۹۷۵ به طول انجامید و ۵۱۰۰ تا ۶۳۵۰ آواره اعم از بومی و غیربومی در برداشت؛ درحالی که جمعیت‌های بومی شمال آمریکا را به شدت تحت تأثیر قرار داد (Ortolano et al., 2000). مقاله Cernea (۱۹۹۷) تحت عنوان اسکان مجدد اجباری در آفریقا در چهارچوب جهانی، ادبیات آماری و ادراکی مناسبی از جابه‌جایی‌ها در آفریقا ارائه می‌دهد و بیان می‌دارد با وجود اینکه کشورهای چین و هند رهبری جهان در تعداد افراد جابه‌جا شده متأثر از پروژه‌های توسعه را در دست دارند، ولی نسبت جمعیتی و مناطق آسیب‌دیده طی این پروژه‌ها بسیار پائین تر از برخی پروژه‌های آفریقا است (Cernea, 1997). در ایران، بدری (۱۳۸۰) با تأکید بر توسعه پایدار، عقیده دارد؛ در پی اجرای سیاست اسکان مجدد، به‌رغم حصول برخی نتایج مثبت در بعد کالبدی، مجموعه ادغامی مورد مطالعه از انسجام اجتماعی و ساختار اقتصادی مناسبی برخوردار نیست (بدری، ۱۳۸۰). رضوانی و همکارانش در سال ۱۳۹۲ تأکید دارند، میزان رضایت روستاییان از کیفیت زندگی در مکان جدید حدوداً متوسط بوده است (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۲). قراگوزلو و همکاران (۱۳۹۳) اشاره می‌کنند بیش‌ترین تأثیر اسکان مجدد این روستاها در زمینه کالبدی و زیست‌محیطی بوده است. در مقابل کمترین پیامد حاصل از جابه‌جایی روستاهای مذکور در بعد اقتصادی بوده و تفاوت معناداری در قبل و بعد از جابه‌جایی وجود نداشته است (قراگوزلو و همکاران، ۱۳۹۳).

فضاهای مورد مطالعه این پژوهش نیز سه روستای اسکان مجدد یافته، آبدره، سعیدآباد و چنگوره از دهستان حصار ولی عصر بخش مرکزی شهرستان آوج پس از زلزله سال ۱۳۸۱ بوئین‌زهر است (شکل‌های ۴ و ۵). در جریان وقوع این زلزله، روستای چنگوره در کانون زلزله و روستای آبدره ۱۰۰ درصد تخریب شدند و در جابجایی روستای سعیدآباد علاوه بر تخریب ناشی از زلزله عوامل محیطی به‌ویژه توپوگرافی، شیب نسبتاً شدید و سیل گیر بودن روستا، تمایل شدید روستاییان به‌ویژه ساکنین دائمی آن نیز مؤثر بود (سعیدی و حسینی حاصل، ۱۳۸۸). در نتیجه ایده جابجایی و اسکان مجدد برای روستاهای مذکور به‌عنوان یک راهکار مناسب برای رسیدگی، کمک‌رسانی و بازسازی محل سکونت پیش روی مسئولین امر قرار گرفت.

بر این اساس، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سؤال زیر است:

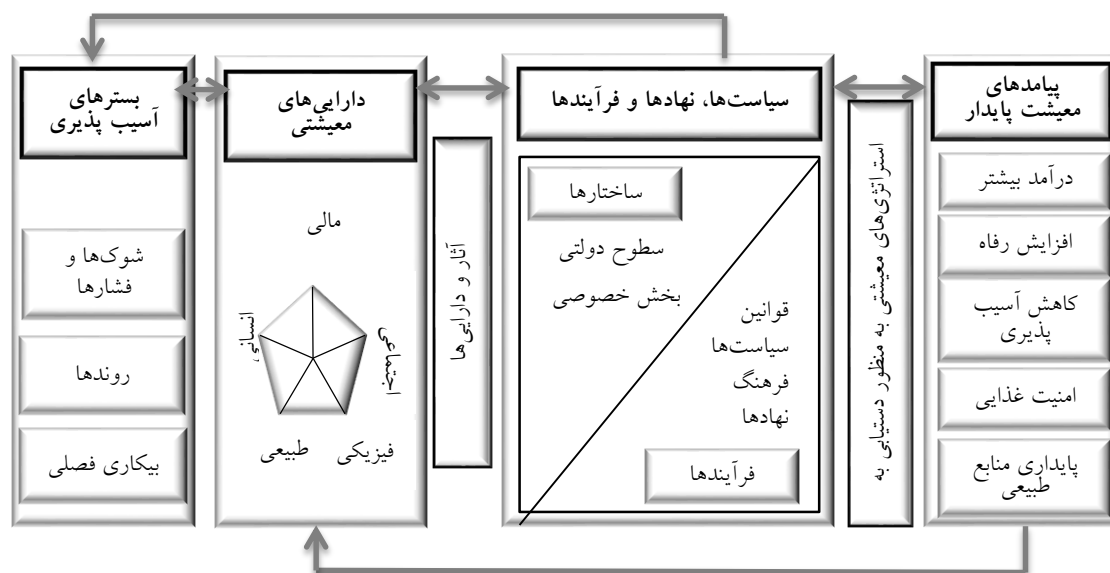
اجرای سیاست اسکان مجدد - در چارچوب اقدام جابجایی - مبتنی بر مؤلفه‌های معیشت‌پایدار زمینه‌ساز چه

اثراتی در روستاهای سانحه دیده از زلزله بخش آوج شده است؟

برای پاسخگویی به سؤال رویکردهای متفاوتی وجود دارد. از جمله، رویکرد مبادله اجتماعی؛ که در آن روابط کارکنان با رهبرانشان در سازمان‌ها همچون یک دادوستد غیررسمی بر طبق یک قرارداد روانی است. زمانی که، سازمان توقعات و انتظارات کارکنان را برآورده سازند، کارکنان نیز انتظارات سازمان را برآورده خواهند ساخت (خنیفر و همکاران، ۱۳۸۸)؛ رویکرد توسعه پایدار که کمیسیون براتلند آن را، دستیابی به نیازهای نسل کنونی بدون به

مخاطره افتادن قدرت نسل‌های آینده برای تأمین نیازهای خودشان، تعریف می‌کند (شایان و همکاران، ۱۳۹۰) و رویکرد دیگر؛ کیفیت زندگی است که به مطلوبیت زندگی و احساس رضایت از زندگی در محور هر بحث اشاره دارد و در نهایت در این زمینه رویکرد معیشت‌پایدار مطرح می‌شود (که به‌عنوان چارچوب نظری این پژوهش است)؛ که آن را راه داشتن زندگی سالم تلقی می‌کنند، یا آن را روشی از زندگی یا شیوه‌ای برای حمایت از زندگی که طی آن نیازمندی‌های فردی و گروهی مردم برآورده می‌شوند، می‌نامند (خیری، ۱۳۸۲). مفهوم‌سازی‌های بسیاری در رابطه با معیشت‌پایدار انجام گرفته و این مفهوم‌سازی‌ها تلاش می‌کنند تا طبیعت معیشت‌پایدار را تعریف نموده و اجزا و همچنین روابط میان آن‌ها را تشخیص دهد. در این میان؛ شناخته‌شده‌ترین مدل مفهومی از رویکرد معیشت‌پایدار را دیارتان توسعه بین‌المللی ترسیم و ارائه کرده است (Carney, 1999) (شکل ۱). بسیاری عقیده دارند که این چارچوب پنج جزئی مفاهیم اصلی رویکرد معیشت‌پایدار را به‌خوبی در بر گرفته است.

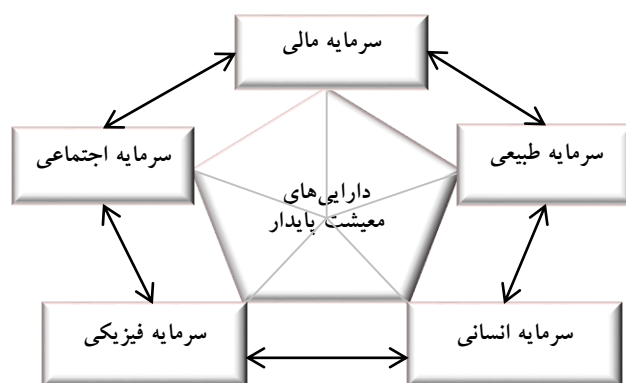
همچنین؛ تعاریف فراوانی از معیشت‌پایدار وجود دارد که پر استنادترین تعریف از معیشت‌پایدار مبنی بر چارچوب مذکور، از چمبرز و کانوی مطرح شده است که بیان می‌کنند: «معیشت از قابلیت‌ها، دارایی‌ها (انبارها، منابع و حق دسترسی به منابع) و فعالیت‌ها (شغل‌ها) ی لازم برای گذران معاش تشکیل شده است؛ به‌عبارت‌دیگر معیشت هنگامی پایدار است که بتواند با فشارها و شوک‌ها سازگار شده و بهبود یافته، قابلیت‌ها، دارایی‌ها و منابع طبیعی خود را تقویت یا حفظ کند و فرصت‌های معیشت‌پایدار را برای نسل آینده نیز فراهم آورد و همچنین، منافع خالص را برای معیشت دیگران در سطوح ملی یا محلی و در کوتاه‌مدت یا بلندمدت ایجاد کند» (Chambers et al., 1992).



شکل ۱- چارچوب معیشت پایدار دیارتان بین‌المللی DFID

(Carney, 1999; DFID, 1999; Donohue, 2015)

در پژوهش حاضر، چارچوب معیشت پایدار دپارتمان بین‌المللی DFID، مبنای ارزشیابی اثرات سیاست اسکان مجدد قرار گرفته است. از چارچوب مطرح شده، پنج سرمایه اصلی انسانی، اجتماعی، طبیعی، فیزیکی و مالی، مؤلفه‌های کلیدی هستند که مورد توجه و تأکید است (شکل ۲).



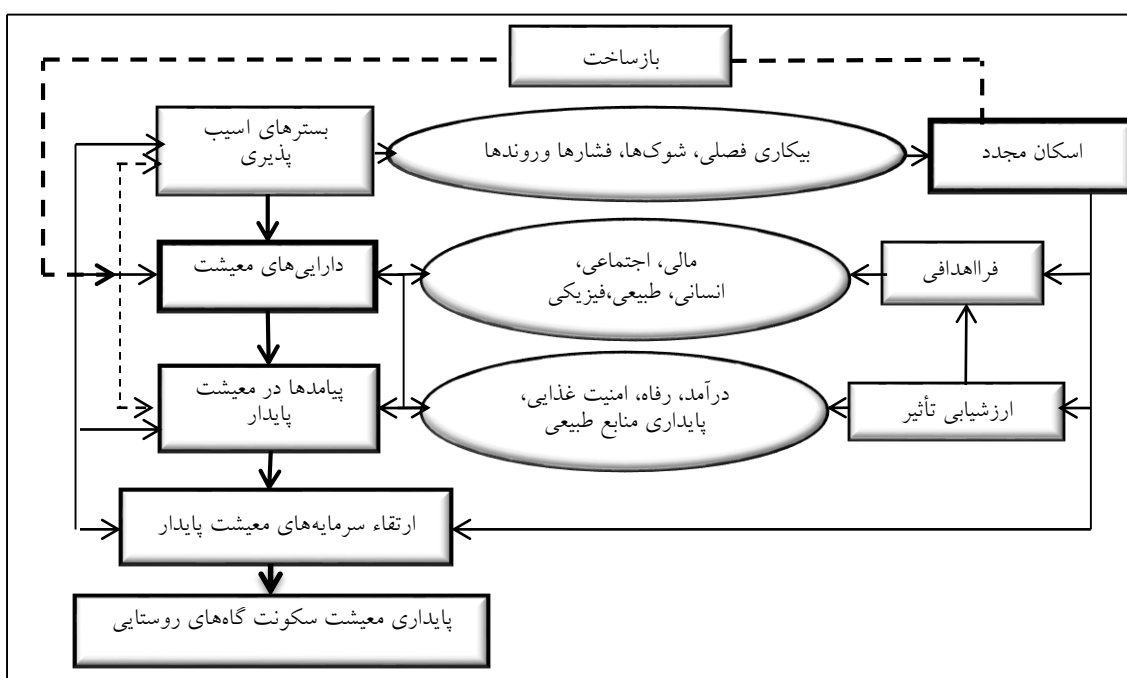
شکل ۲- دارایی‌های معیشت پایدار

(DFID, 1999; Bebbington, 1999)

بر پایه آنچه گذشت؛ در ارتباط با معیشت و اسکان مجدد، توجه به این سمت معطوف می‌گردد که اسکان مجدد علاوه بر تأثیرات گسترده و همه‌جانبه‌اش بر روستا، به‌شدت معیشت جامعه مشمول سیاست را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع شاهرگ‌های حیات اقتصادی روستا، محیط طبیعی آن است؛ محیطی که عامل پیدایش آن بوده است. پرواضح است که با از دست دادن این محیط، آنچه در وهله اول به مهم‌ترین نگرانی مبدل می‌گردد "معیشت" روستایی است.

از این رهگذر است که با توجه به مفهوم معیشت پایدار و معیارهای تقریباً شناخته‌شده آن و تأثیر غیرقابل‌اغماض آن در حیات جامعه، این پژوهش قصد دارد؛ اثرات اجرای سیاست اسکان مجدد بر سرمایه‌های معیشت پایدار (سرمایه‌های انسانی، اجتماعی، مالی، فیزیکی و طبیعی) را در روستاهای؛ آبدره، چنگوره و سعیدآباد از شهرستان آوج در دهستان حصار ولیعصر از استان قزوین که متأثر از زلزله سال ۱۳۸۱ جابه‌جا شدند، مورد ارزشیابی قرار دهد. چراکه؛ در ارزشیابی به دنبال پدید آوردن آگاهی و دانشی هستیم که برای قضاوت و تصمیم‌گیری به کار آید و زمینه را جهت بهبود شرایط و وضعیت فراهم سازد. ارزشیابی خود دارای انواع مختلفی از جمله (شفاف ساز، پیش از اجرا، تعاملی، نظارتی و ارزشیابی تأثیر) است. چنانچه از عنوان پژوهش برمی‌آید؛ در این پژوهش ارزشیابی تأثیر مبنای کار است، در این نوع ارزشیابی، نتایج کانون اصلی توجه است. ارزشیابی تأثیر شناخت نظام‌مند و تشخیص روش‌مند اثرات انجام فعالیت‌های توسعه‌ای (یک برنامه یا طرح) بر افراد، گروه‌ها، نهادها و محیط است. این ارزشیابی ما را در درک بهتر دستاوردهای فعالیت‌های انجام‌شده برای مردم و میزان تأثیر آن‌ها بر بهبود زندگی و رفاه اهالی یاری می‌کند

با توجه به چارچوب معیشت پایدار در هر جامعه‌ای عوامل آسیب‌رسانی نظیر مخاطرات محیطی از جمله زلزله (به‌عنوان شوک) نظام زیست و معیشت سکونتگاه‌های روستایی (مانند زلزله آوج در سال ۱۳۸۱) را تحت تأثیر قرار داده و دارایی‌های آن‌ها را از جمله دارایی‌های طبیعی مانند ذخایر طبیعی و منابع زیست‌محیطی، دارایی‌های فیزیکی نظیر زیرساخت‌ها، دارایی‌های اجتماعی شامل شبکه روابط و تعاملات و اعتماد و انسجام، دارایی‌های انسانی مانند سلامت و آموزش و دارایی‌های مالی از جمله سرمایه‌ها و اشتغال با چالش‌هایی روبرو ساخت. در این زمان بود که نهادها (از قبیل بنیاد مسکن و ...) با اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهایی نظیر اسکان مجدد به باز ساخت این دارایی‌های پرداختند و به‌وسیله بازساخت نظام روستاهای آوج بستر و زمینه ارتقا سرمایه‌های معیشت پایدار را فراهم نمود. به نظر می‌رسد که این بازساخت منجر به ارتقا تمامی سرمایه‌ها در روستاهای مورد مطالعه شده است. از این رهگذر است که این پژوهش از طریق ارزشیابی پیامدهای این باز ساخت تأثیر اجرای این سیاست را بر رفع نیازهای مردم و اهداف مورد نظر طرح مورد سنجش قرار داده و بهبود و عدم بهبود وضعیت معیشتی مردم را مشخص نموده و همچنین زمینه را جهت بهبود شرایط و وضعیت فراهم می‌سازد (شکل ۳).



شکل ۳- مدل مفهومی پژوهش

با توجه به چارچوب نظری و مدل مفهومی، پژوهش حاضر بر فرضیه زیر استوار است:

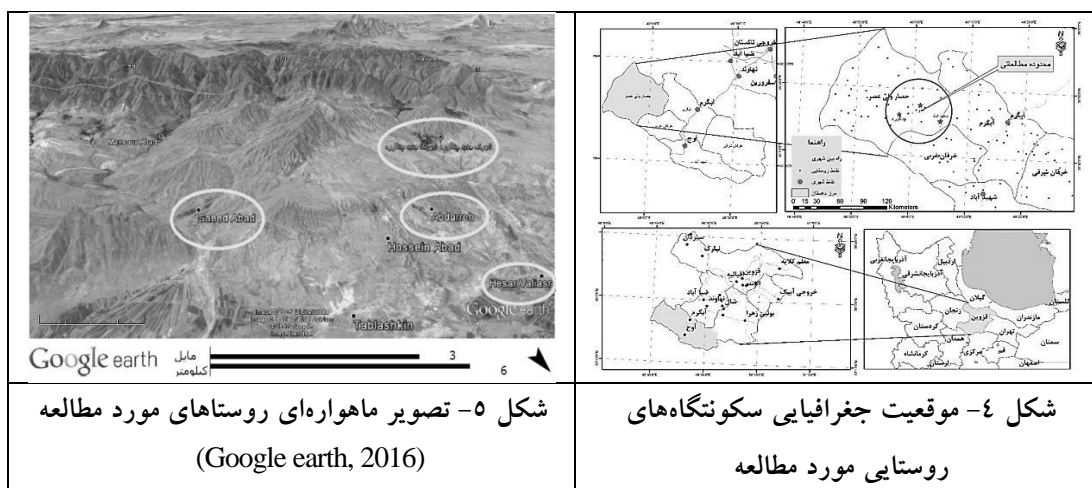
«اجرای سیاست اسکان مجدد- در چارچوب اقدام جابجایی - زمینه‌ساز ارتقای مؤلفه‌های سرمایه طبیعی، سرمایه

اجتماعی، سرمایه انسانی، سرمایه مالی و سرمایه فیزیکی در روستاهای سانحه دیده از زلزله بخش آوج شده است.»

مواد و روش

منطقه مورد مطالعه

شهرستان آوج یکی از شهرستان‌های استان قزوین، به مرکزیت شهر آوج است. این شهرستان با مساحت ۲۷۷۶ کیلومتر مربع در طول جغرافیایی ۴۴ و ۴۸ تا ۴۵ و ۴۹ شرقی و عرض جغرافیایی ۲۵ و ۳۵ تا ۴۷ و ۳۵ شمالی قرار دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). مرکز شهرستان، شهر آوج در فاصله ۱۲۵ کیلومتری قزوین و ۱۱۵ کیلومتری شهر همدان در منطقه‌ای کاملاً کوهستانی واقع شده است. فضاهای مورد مطالعه این پژوهش؛ سه روستای اسکان مجدد یافته، آبدره، سعیدآباد و چنگوره از دهستان حصار ولی عصر بخش مرکزی شهرستان آوج پس از زلزله سال ۱۳۸۱ بوئین‌زهر است (شکل‌های ۴ و ۵). این سه روستا، مجموعاً دارای ۸۱۸ نفر جمعیت و ۲۷۴ خانوار در سال ۱۳۹۰ است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).



روش

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و بر اساس هدف کاربردی است. از روش اسنادی (کتابخانه‌ای)، فضای مجازی و میدانی برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش استفاده شده است. بیشتر حجم اطلاعات مورد نیاز و کاربردی پژوهش از طریق روش میدانی و مطالعات پیمایشی به دست آمده است که شامل تکمیل پرسشنامه از خانوارهای جابه‌جا شده بود؛ که حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران؛ مجموعاً ۲۱۲ خانوار در هر سه روستا برآورد شد. برای بررسی تصادفی بودن داده‌ها از آزمون در گردش، برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کلموگروف اسمیرنوف، برای آزمون فرضیه و تحلیل میزان اثرگذاری مؤلفه‌ها در شاخص نهایی معیشت پایدار متأثر از اسکان مجدد، آزمون تحلیل مسیر استفاده شد. آزمون تحلیل مسیر، مستلزم انجام آزمون رگرسیون جهت تعیین مناسب

بودن مدل تحلیل مسیر است و رگرسیون نیز دارای مفروضاتی از جمله آزمون استقلال خطاها دورین - واتسون است که این آزمون، مناسب بودن آزمون رگرسیون را مشخص نمود؛

آزمون رگرسیون مناسب بودن مدل تحلیل مسیر را تعیین کرد و آزمون تحلیل مسیر به سنجش میزان اثرگذاری مؤلفه‌ها در شاخص نهایی آن متأثر از سیاست اسکان مجدد پرداخت.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نرم‌افزار آماری SPSS و برای ترسیم نقشه‌ها و معرفی محدوده مورد مطالعه از GOOGLE EARTH و GSMD و نرم‌افزار تخصصی ARC GIS استفاده شده است.

برای رسیدن به شاخص‌ها به این ترتیب عمل شد که؛ ادبیات داخلی و خارجی پژوهش مرتبط با معیشت پایدار جمع‌آوری و مطالعه شد. پس از بررسی و مقایسه مؤلفه‌ها، معیارها و شاخص‌های معیشت پایدار در منابع متعدد، آن‌هایی که بیشترین میزان فراوانی را در ادبیات پژوهش دارا بودند به‌عنوان مؤلفه‌ها، معیارها و شاخص‌های تحقیق حاضر انتخاب شدند که در (جدول ۱) به‌طور خلاصه به آن‌ها اشاره شده است.

جدول ۱- مؤلفه، معیار و شاخص‌های معیشت پایدار

مؤلفه	معیار	شاخص‌های ذهنی
زیست‌محیطی	ذخایر منابع طبیعی، منابع زیست‌محیطی	زمین، منابع آب، منابع خاک، اقلیم، پوشش گیاهی، حیات وحش، آلودگی‌ها
سازماندهی و مشارکت	شبکه روابط و تعاملات (حمایتی، همسایگی، خویشاوندی و...)، گروه‌های رسمی و غیررسمی، رهبری، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، انسجام اجتماعی، اعتماد، مطالبات اجتماعی، قوانین عمومی مشارکت	شبکه حمایتی، روابط خویشاوندی، وجود گروه‌های رسمی، وجود گروه‌های غیررسمی، سازمان رهبری، قدرت رهبری، گرایش به ارزش‌ها، گرایش به هنجارها، تعامل روستاییان، نزاع بین روستاییان، امنیت، اعتماد اجتماعی بین روستاییان، اعتماد اجتماعی بین روستاییان و نهادهای محلی (شورای اسلامی - دهیاری)، اعتماد اجتماعی بین روستاییان و دستگاه‌های دولتی (جهاد کشاورزی، فرمانداری و...، آزادی در ابراز عقاید، سطح تقاضا برای برخورداری از خدمات زیرساختی و رفاهی، قوانین و مقررات بخش فعالیت‌ها، قوانین و مقررات بخش سکونت، قوانین مرتبط با مسائل اجتماعی، مشارکت در طرح‌های توسعه و عمران، مشارکت در امور انتخاباتی، مشارکت در امور مالی
سلامت و توانایی نیروی کار، آموزش	سلامت، ظرفیت سازگاری، مهارت‌ها، دانش و توانایی نیروی کار، آموزش	پوشاک، بهداشت، درمان، ورزش و اوقات فراغت، تغذیه، نوآوری، تنوع منابع درآمد، رقابت، دانش و مهارت نیروی کار، آموزش، تحصیلات و سواد
سرمایه‌گذاری، سازمان‌های رسمی و غیررسمی اقتصادی، منابع مالی در دسترس، جریان پول، دارایی‌های اقتصادی	سرمایه‌گذاری، سازمان‌های رسمی و غیررسمی اقتصادی، منابع مالی در دسترس، جریان پول، دارایی‌های اقتصادی	پس انداز، اعتبارات، رسمی (بیمه، بانک، دولت و...)، غیررسمی، اراضی زراعی و باغی، دامداری و دام پروری، فعالیت در کارگاه‌های اقتصادی، گردشگری، فعالیت‌های غیررسمی (قاچاق مواد مخدر و...)، جریان پول از شهر به روستا، جریان پول از روستا به شهر، مسکن، ماشین‌آلات، اشتغال
زیرساخت، ابزارها و تکنولوژی	زیرساخت، ابزارها و تکنولوژی	حمل و نقل، راه‌ها، وسایل نقلیه، پناهگاه امن (مسکن)، انرژی، اطلاعات و ارتباطات، منابع آب و بهسازی (شبکه فاضلاب)، ابزار تولید، نهادهای تولید

(جمعه پور و همکاران، ۱۳۹۰؛ آلباء، ۱۳۹۰؛ Serrat, 2008; Kollmair, 2002; DFID, 1999; FAO et al., n.d)

نتایج و بحث

وضعیت مؤلفه‌های معیشت‌پایدار در سطح روستاهای جابجا شده برپایه (جدول ۲)، میانگین تمامی مؤلفه‌های معیشت‌پایدار در سطح روستاهای جابه‌جا شده کمتر از حد متوسط یعنی سه است. تنها، مؤلفه سرمایه اجتماعی (۳,۰۵) دارای ارزشی بالاتر-سیاراندک- از سه است. همچنین، مؤلفه سرمایه مالی با ارزش (۱,۶۴) و پس از آن سرمایه انسانی با ارزش (۱,۷۴) با تفاوتی اندک، دارای کمترین ارزش هستند. دامنه تغییرات که نشان دهنده پراکندگی پاسخ‌های پاسخ‌دهندگان است در مؤلفه سرمایه طبیعی دارای بیشترین ارزش (۱,۵۵) و در مؤلفه سرمایه اجتماعی با ارزش (۰,۶۸) کمترین پراکندگی را داراست.

جدول ۲- وضعیت مؤلفه‌های معیشت پایدار در سطح روستاهای جابه‌جا شده

مؤلفه	تعداد	حداکثر	حداقل	مد	میان	میانگین	دامنه تغییرات
سرمایه فیزیکی	۲۱۲	۲,۶۹	۱,۶۹	۲,۵۲	۲,۴۸۲۸	۲,۴۱۳۳	۱,۰۰
سرمایه طبیعی	۲۱۲	۳,۵۵	۲,۰۰	۳,۵۰	۲,۶۵	۲,۸۱۱۶	۱,۵۵
سرمایه مالی	۲۱۲	۱,۹۱	۱,۱۳	۱,۷۵	۱,۶۸۷۵	۱,۶۴۸۰	۰,۷۸
سرمایه انسانی	۲۱۲	۲,۱۱	۱,۳۵	۱,۶۲	۱,۷۱۶۲	۱,۷۴۰۱	۰,۷۶
سرمایه اجتماعی	۲۱۲	۳,۳۴	۲,۶۶	۳,۰۴	۳,۰۵۳۶	۳,۰۵۲۶	۰,۶۸
کل	۲۱۲	۲,۴۸	۱,۸۰	۲,۴۳	۲,۳۹۲۶	۲,۳۳۳۱	۰,۶۸

تحلیل وضعیت معیشت‌پایدار در روستاهای جابه‌جا شده

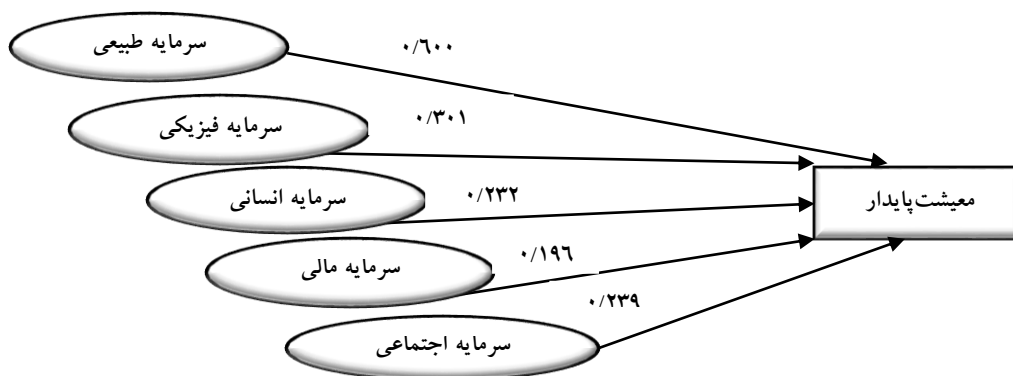
پیش از انجام تحلیل‌ها، تصادفی بودن داده‌ها با استفاده از آزمون در گردش و نرمال بودن داده‌ها با بهره‌گیری از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف، آزمون و تأیید گردید. برای تحلیل میزان اثرگذاری مؤلفه‌ها (متأثر از جابجایی) در شاخص نهایی معیشت‌پایدار؛ ابتدا با استفاده از آزمون دوربین-واتسون مناسب بودن آزمون رگرسیون تأیید و سپس به‌وسیله آزمون تحلیل مسیر اثرگذاری مؤلفه‌ها مورد سنجش قرار گرفت. در جدول (۳) متغیرهای واردشده در معادله رگرسیون که هسته اصلی تحلیل رگرسیون را تشکیل می‌دهد، نشان داده شده است. مقدار $Beta$ که بر اساس ضرایب استاندارد شده محاسبه شده است؛ یافته‌های زیر را نشان می‌دهد:

الف) سرمایه طبیعی (با ضریب ۰/۶۰۰)، سرمایه فیزیکی (با ضریب ۰/۳۰۱)، سرمایه اجتماعی (با ضریب ۰/۲۳۹)، سرمایه انسانی (با ضریب ۰/۲۳۲)، سرمایه مالی (با ضریب ۰/۱۹۶)، به ترتیب بیش‌ترین میزان تأثیرگذاری را بر معیشت‌پایدار دارند. بدین‌صورت که، با افزایش یک انحراف استاندارد در هر کدام از سرمایه‌های طبیعی، فیزیکی، اجتماعی، انسانی و مالی؛ میزان معیشت پایدار به ترتیب میزان ۰/۶۰۰، ۰/۳۰۱ و ۰/۲۳۹ و ۰/۲۳۲ و ۰/۱۹۴ انحراف استاندارد، افزایش می‌یابند. بالعکس، کاهش یک انحراف استاندارد در هر کدام از عامل‌های ذکر شده، موجب کاهش

همان مقدار انحراف استاندارد در معیشت پایدار می‌شود. شکل ۶ بر اساس ضرایب رگرسیون استاندارد شده، تأثیر عوامل مؤثر بر معیشت پایدار را نشان می‌دهد.

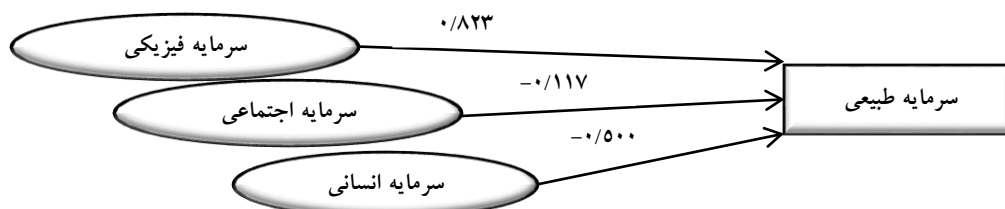
جدول ۳- مدل رگرسیونی تأثیر عوامل اثرگذار بر معیشت پایدار

عوامل	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد شده	t	سطح معنی داری
	B	Std. Error			
(Constant)	-۰/۰۴۵	۰/۰۵۸		-۰/۷۶۶	۰/۴۴۴
سرمایه فیزیکی	۰/۲۰۶	۰/۰۲۶	۰/۳۰۱	۷/۹۳۵	۰/۰۰۰
سرمایه طبیعی	۰/۱۸۹	۰/۰۱۲	۰/۶۰۰	۱۵/۸۷۳	۰/۰۰۰
سرمایه مالی	۰/۱۸۲	۰/۰۲۹	۰/۱۹۶	۶/۲۳۳	۰/۰۰۰
سرمایه انسانی	۰/۱۹۴	۰/۰۲۷	۰/۲۳۲	۷/۲۹۰	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی	۰/۲۳۲	۰/۰۲۰	۰/۲۳۹	۱۱/۳۳۷	۰/۰۰۰



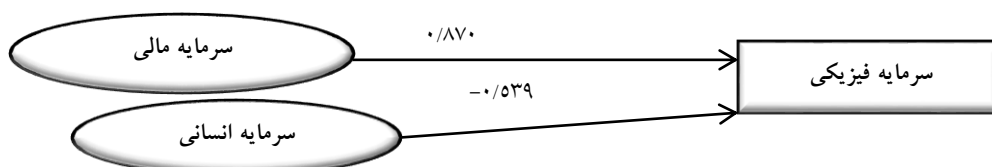
شکل ۶- مدل رگرسیونی عوامل مؤثر بر معیشت پایدار

ب) مرحله دوم با توجه به نتایج حاصل از مرحله قبل، سرمایه طبیعی که بیشترین تأثیر را در معیشت پایدار دارد، به‌عنوان متغیر وابسته وارد معادله رگرسیون شده و تأثیر سایر عامل‌ها بر آن مورد آزمون قرار گرفت. در بین سرمایه‌ها، سرمایه فیزیکی بیشترین و سرمایه اجتماعی کمترین تأثیر را بر سرمایه طبیعی داشته است (شکل ۷).



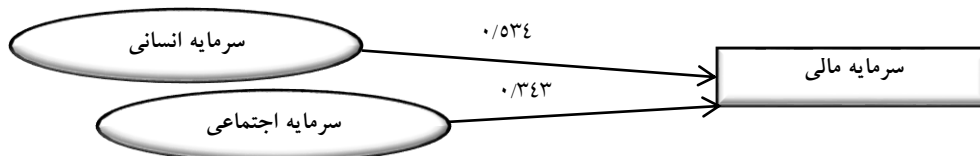
شکل ۷- مدل رگرسیونی تأثیر مؤلفه سرمایه طبیعی بر معیشت پایدار

ج) در مرحله سوم با توجه به نتایج حاصل از مرحله قبل، سرمایه فیزیکی، بعد از سرمایه طبیعی بیشترین تأثیر را در معیشت پایدار دارد. بنابراین به‌عنوان متغیر وابسته وارد معادله رگرسیون شده و تأثیر سایر عامل‌ها بر آن مورد آزمون قرار گرفت. در بین سرمایه‌ها، سرمایه مالی بیشترین و سرمایه انسانی کمترین تأثیر را بر سرمایه فیزیکی داشته است. (شکل ۸).



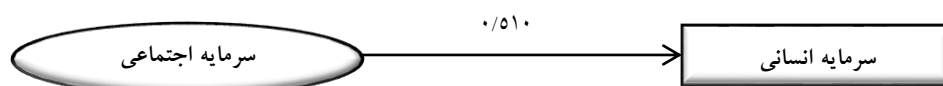
شکل ۸- مدل رگرسیونی تأثیر مؤلفه سرمایه فیزیکی بر معیشت پایدار

د) در مرحله چهارم با توجه به نتایج حاصل از مرحله قبل، سرمایه مالی بعد از سرمایه فیزیکی، بیشترین تأثیر را در معیشت پایدار دارد. بنابراین به‌عنوان متغیر وابسته وارد معادله رگرسیون شده و تأثیر سایر عامل‌ها بر آن مورد آزمون قرار گرفت. در بین سرمایه‌ها سرمایه انسانی بیشترین و سرمایه اجتماعی کمترین تأثیر را بر سرمایه مالی داشته است. (شکل ۹).



شکل ۹- مدل رگرسیونی تأثیر سرمایه مالی بر معیشت پایدار

ه) در مرحله پنجم با توجه به نتایج حاصل از مرحله قبل، سرمایه انسانی بعد از مالی، بیشترین تأثیر را در معیشت پایدار دارد، بنابراین به‌عنوان متغیر وابسته وارد معادله رگرسیون شده و تأثیر سایر عامل‌ها بر آن مورد آزمون قرار گرفت. در بین سرمایه‌ها تنها سرمایه اجتماعی بر سرمایه انسانی تأثیر گذاشته است (شکل ۱۰).



شکل ۱۰- مدل رگرسیونی تأثیر سرمایه انسانی بر معیشت پایدار

و) جمع‌بندی نتایج تحلیل مسیر در مراحل مختلف، پس از مجموع نتایج تحلیل مسیر در بالا، در این مرحله به ترکیب پنج مرحله تحلیل مسیر پرداخته و نهایتاً آن‌ها را در قالب (جدول ۴) و مدل تجربی (شکل ۱۱) تحلیل مسیر ارائه شده است.

جدول ۴- محاسبه تأثیر کل عوامل مؤثر بر معیشت پایدار

عوامل	تأثیر مستقیم	تأثیر غیرمستقیم	تأثیر کل	ضریب همبستگی (پیرسون)	سطح معنی‌داری
سرمایه فیزیکی	۰/۳۰۱	۰/۴۹۳۸	۰/۷۹۴۸	۰/۹۲۰	۰/۰۰۰
سرمایه طبیعی	۰/۶۰۰	-	۰/۶۰۰	۰/۶۲۵	۰/۰۰۰
سرمایه مالی	۰/۱۹۶	۰/۴۲۹۶	۰/۶۲۵۶	۰/۶۲۸	۰/۰۰۰
سرمایه انسانی	۰/۲۳۲	-۰/۳۳۶۷	-۰/۱۰۴۷	۰/۲۱۷	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی	۰/۲۳۹	۰/۲۰۸۹	۰/۴۱۷۹	۰/۵۱۰	۰/۰۰۰

بر اساس نتایج مندرج در (جدول ۴) سرمایه طبیعی تنها عاملی است که توانسته است فقط به‌صورت مستقیم بر معیشت پایدار تأثیر مثبت بگذارد. البته، چون این عامل، بلافاصله بعد از معیشت پایدار وارد معادله شده و به‌عنوان عامل وابسته میانی (درونی) در نظر گرفته شده است، تأثیر غیرمستقیم بر معیشت پایدار نداشته است. میزان تأثیر مستقیم عامل سرمایه طبیعی برابر با ۰/۶۰۰ است که نشان می‌دهد به ازای یک واحد (انحراف استاندارد) تغییر در سرمایه طبیعی، میزان معیشت پایدار به میزان ۰/۶۰۰ واحد تغییر می‌یابد.

سرمایه‌های فیزیکی، مالی، اجتماعی و انسانی عامل‌هایی هستند که به‌صورت هم مستقیم و هم غیرمستقیم بر معیشت پایدار روستاهای جایجا شده تأثیر گذاشته‌اند. تأثیر مستقیم آن‌ها به ترتیب میزان‌های ۰/۱۹۶، ۰/۰، ۰/۲۳۲، ۰/۲۳۲ است و تأثیرات غیرمستقیم آن‌ها به شرح زیر است:

الف) سرمایه فیزیکی علاوه بر تأثیر مستقیم به‌صورت غیرمستقیم و با واسطه متغیر سرمایه طبیعی با ضریب مسیر ۰/۸۲۳ بر معیشت پایدار تأثیر گذاشته است. یعنی سرمایه فیزیکی توانسته با تأثیر مثبت بر سرمایه طبیعی، زمینه بهبود معیشت پایدار را فراهم نماید؛

ب) سرمایه اجتماعی نیز در کنار تأثیر مستقیم به‌صورت غیرمستقیم نیز بر معیشت پایدار تأثیر گذاشته است. این عامل به‌واسطه سرمایه انسانی با ضریب مسیر ۰/۵۱، به‌واسطه سرمایه مالی با ضریب مسیر ۰/۳۴۳ و به‌واسطه سرمایه طبیعی با ضریب مسیر ۰/۱۱۷- بر معیشت پایدار تأثیر گذاشته است. تأثیر مثبت سرمایه اجتماعی بر سرمایه انسانی و سرمایه مالی زمینه تحول مثبت معیشت پایدار و تأثیر منفی آن بر سرمایه طبیعی، زمینه تضعیف معیشت پایدار را فراهم نموده است.

ج) سرمایه مالی نیز در کنار تأثیر مستقیم به واسطه سرمایه فیزیکی با ضریب مسیر ۰/۸۷۰ دارای اثر غیرمستقیم بر معیشت پایدار است. بدین معنا که، سرمایه مالی با تأثیر مثبت بر سرمایه فیزیکی زمینه‌ساز تقویت معیشت پایدار شده است؛

د) سرمایه انسانی نیز در کنار تأثیر مستقیم به صورت غیرمستقیم نیز بر معیشت پایدار تأثیر گذاشته است. این عامل به واسطه سرمایه مالی با ضریب مسیر ۰/۵۳۴، زمینه‌ساز تأثیر مثبت بر معیشت پایدار شده است. البته این عامل به واسطه سرمایه فیزیکی با ضریب مسیر ۰/۵۳۹- و سرمایه طبیعی با ضریب مسیر ۰/۵۰۰- بر معیشت پایدار تأثیر منفی گذاشته است.

لازم به ذکر است، در بین عوامل مطرح شده، عامل سرمایه طبیعی با مقدار بتای ۰/۶۰۰ بیش‌ترین و عامل سرمایه مالی با مقدار بتای ۰/۱۹۶ کمترین (اولویت اول و آخر) میزان اثرگذاری مستقیم را بر معیشت پایدار دارا هستند. در مجموع، بر پایه تحلیل آماری در خصوص ضریب کل تأثیر (اعم از مستقیم و غیرمستقیم) تمامی سرمایه‌های مستقل بر متغیر وابسته معیشت پایدار تأثیر داشته‌اند. که در زیر نحوه اثرگذاری آن‌ها می‌پردازیم:

سرمایه‌های فیزیکی روستاهای مورد مطالعه پس از جابه‌جایی، از نظر دسترسی به راه آسفالت به شهر، پناهگاه امن، دسترسی به انرژی برق و منابع آب سالم در وضعیت مناسب قرار دارند و توانسته است در رتبه نخست با میزان بتای کل (۰/۷۹۴۸) زمینه بهبود معیشت پایدار را فراهم نماید؛ البته مؤلفه سرمایه فیزیکی همچنان از نظر دسترسی به ابزار و نهادهای تولید، سیستم جمع‌آوری زباله، دسترسی به گاز، راه‌های آسفالت به مراکز فعالیت کشاورزی و شبکه حمل‌ونقل در وضعیت نامناسب است. ولی بهبود وضعیت سرمایه‌های فیزیکی روستا نسبت به قبل از جابه‌جایی، غیرقابل اغماض است.

سرمایه‌های مالی در روستاهای مورد مطالعه پس از جابه‌جایی، از نظر مالکیت خصوصی بر مسکن و عدم وجود فعالیت‌های غیررسمی، اعتبارات و پس‌انداز تا حدودی بهبود یافته است. البته از نظر دسترسی به بانک، بیمه، کارگاه‌های اقتصادی و ماشین‌آلات و اشتغال در روستای خود در وضعیت چندان مناسبی نیستند. ولی سرمایه مالی با تأثیرپذیری از اسکان مجدد، توانسته با بتای (۰/۶۲۵۶) زمینه‌ساز تقویت معیشت پایدار شود.

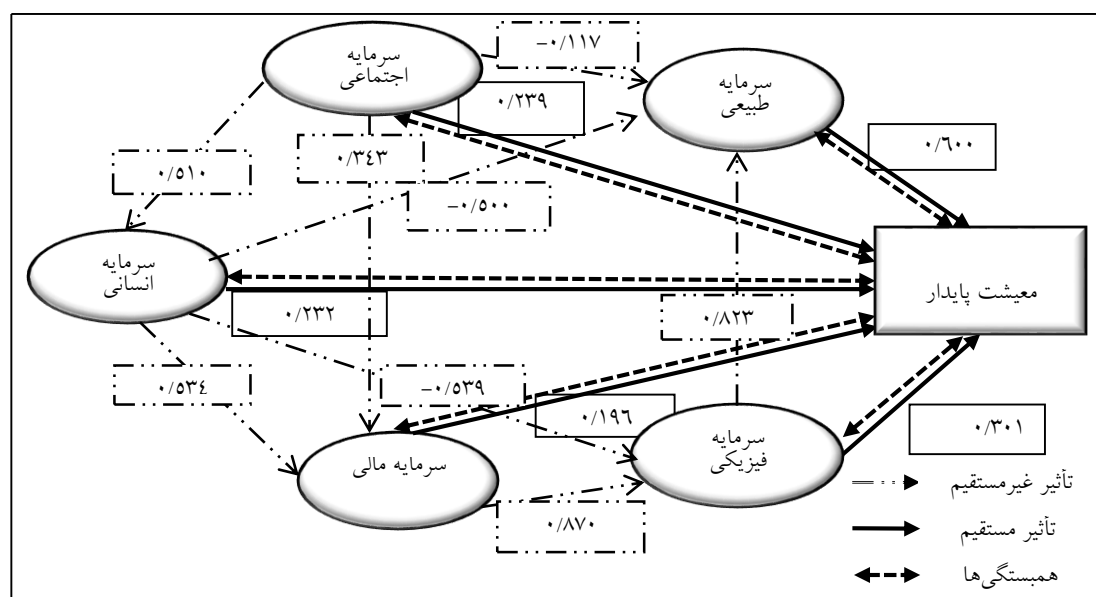
سرمایه‌های طبیعی در روستاهای مورد مطالعه پس از جابه‌جایی، از نظر بهبود موقعیت روستاها به لحاظ شیب و توپوگرافی نسبت به قبل از اسکان مجدد، پوشش گیاهی و عدم وجود آلودگی‌ها (صوتی و هوا) در وضعیت مناسب قرار گرفته‌اند و این بهبود وضعیت منجر شده است که این مؤلفه تنها با تأثیر مستقیم خود با بتای (۰/۶۰۰) با تفاوت بسیار ناچیز آن نسبت به بتای سرمایه مالی - منجر به تقویت معیشت پایدار روستاها شود. شایان‌ذکر است؛ این مؤلفه به خاطر کوهستانی بودن محدوده مورد مطالعه و وجود شیب اراضی کشاورزی و فرسایش خاک متأثر از آن و در پاره‌ای موارد کمبود آب و آلودگی آن در وضعیت نامناسب است.

سرمایه‌های اجتماعی روستاهای مورد مطالعه پس از جابه‌جایی، از نظر شبکه حمایتی و روابط خویشاوندی، سازمان و قدرت رهبری، گرایش به ارزش‌ها و هنجارها، تعامل روستائیان، امنیت، اعتماد بین روستائیان، انسجام، مشارکت در امور عمرانی و انتخابات در سطحی مناسب قرار دارد و تحت تأثیر این عوامل زمینه تحول مثبت معیشت‌پایدار را ایجاد نموده است. ولی وضعیت وجود گروه‌های رسمی حمایت‌کننده روستائیان، اعتماد بین روستائیان و نهادهای دولتی، آزادی در ابراز عقاید یا مطالبات اجتماعی و مشارکت در امور مالی در حد ضعیف‌تری است که به‌واسطه چنین عواملی زمینه تضعیف معیشت‌پایدار را فراهم نموده است. بدین‌صورت این مؤلفه با بتای (۰/۴۳۳۱) در رتبه چهارم تأثیرگذاری بر معیشت‌پایدار قرار گرفت.

در نهایت سرمایه‌های انسانی که پس از جابه‌جایی تنها از نظر توانایی تأمین پوشاک و تغذیه در وضعیت متوسطی قرار دارند و در پاره‌ای موارد زمینه‌ساز تأثیر مثبت بر معیشت پایدار شده است. از نظر سایر موارد از قبیل بهداشت، درمان، ورزش، اوقات فراغت، نوآوری، رقابت، دانش و مهارت و نیروی کار و آموزش در سطح بسیار پایین هستند. در نتیجه سرمایه انسانی (با بتای ۰/۱۰۴۷-) بر معیشت‌پایدار تأثیر منفی گذاشته است.

مدل تجربی تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر معیشت‌پایدار

بر پایه مدل تجربی تحلیل مسیر، عامل‌های سرمایه فیزیکی، مالی، طبیعی و انسانی عواملی هستند که به‌عنوان عوامل وابسته میانی یا درونی (منظور از عامل‌های میانی عامل‌هایی هستند که به‌عنوان عامل وابسته در نظر گرفته شده و تأثیر سایر عامل‌ها بر روی آن‌ها بررسی می‌شود) و عامل سرمایه اجتماعی به‌عنوان عامل بیرونی (منظور از عامل‌های بیرونی عامل‌هایی هستند که به‌عنوان عامل وابسته وارد معادله نشده و تأثیر رگرسیونی سایر عامل‌ها بر روی آن‌ها محاسبه نشده است). است. در اینجا، برای بررسی میزان ضرایب همبستگی دوجانبه بین عامل‌ها، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. میزان این ضریب نشان می‌دهد که بین متغیرها (عامل‌ها) همبستگی وجود دارد. این همبستگی در عامل‌های (سرمایه فیزیکی بالا، در سرمایه‌های طبیعی و مالی و پس از آن سرمایه اجتماعی متوسط و در سرمایه انسانی پایین) است (جدول ۴) این وضعیت نشان می‌دهد که تأثیر کل عامل‌هایی چون سرمایه فیزیکی، سرمایه طبیعی، سرمایه مالی و سرمایه اجتماعی بیشتر از سرمایه انسانی بوده است. البته، در صورتی که شاخص‌های هر یک از مؤلفه از شرایط مطلوبی برخوردار نشوند؛ بستر برای تضعیف معیشت پایدار فراهم می‌شود. مسئله‌ای که بایستی در روستاهای مورد مطالعه به آن توجه شود. همانطوریکه، از مدل دریافت می‌شود وضعیت روستاها (تحلیل مبتنی بر یک طیف با وضعیت مناسب، نسبتاً مناسب و نامناسب) در شرایط متوسط (نسبتاً مناسب) قرار دارد. البته، این وضعیت در مورد (سرمایه‌های طبیعی، اجتماعی و مالی با داشتن مقادیر بتاهای نزدیک به یکدیگر و کمتر از سرمایه فیزیکی) نسبتاً مناسب و برای سرمایه انسانی، نامناسب است.



شکل ۱۱- مدل تجربی تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر معیشت پایدار

جمع بندی

بررسی انجام شده نشان داد که؛ یکی از ضروریات در فرآیند برنامه‌ریزی روستایی توجه به "مخاطرات طبیعی" است. آسیب‌پذیری روستاها در برابر مخاطرات طبیعی از یکسو و به‌کارگیری طرح‌هایی همچون تجمیع و جابه‌جایی و ضرورت ملاحظاتی اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی، انسانی، فیزیکی در جامعه روستایی از سوی دیگر، توجه به رویکردهای نوین (نظیر معیشت پایدار) را در عرصه مقابله با مخاطرات طبیعی ضروری می‌سازد. به لحاظ تئوریک می‌توان گفت اصولاً معیشت یک مفهوم همه‌جانبه و چندبعدی در زندگی است و بروز بلایای طبیعی و انسانی و پیرو آن گسترش روزافزون اجرای سیاست اسکان مجدد، تغییرات عمده‌ای را در معیشت روستاهای آسیب‌دیده به وجود آورده است. در رابطه با فرضیه پژوهش، سرمایه‌های معیشت پایدار در روستاهای مورد مطالعه متأثر از سیاست اسکان مجدد زمینه‌ساز ارتقای نسبی وضعیت روستاها (سرمایه فیزیکی با وضعیت مناسب، سرمایه طبیعی، مالی و اجتماعی با تأثیرپذیری تقریباً یکسان از جابه‌جایی دارای وضعیت نیمه مناسب و سرمایه انسانی دارای وضعیت نامناسب) شده است. این نتایج تا حدودی توسط نتایج سایر پژوهش‌ها نیز تأیید گردیده است برای مثال: در پژوهش بدری (۱۳۸۰) نیز در پی اجرای سیاست اسکان مجدد حصول برخی نتایج مثبت در بعد کالبدی به چشم می‌خورد. در پژوهش رضوانی و همکارانش در سال ۱۳۹۲ میزان رضایت روستاییان از کیفیت زندگی در مکان جدید در حد متوسط به بالا بوده است و نتایج حاصل از پژوهش حاضر نیز حاکی از ارتقای نسبی وضعیت روستاهای جابه‌جایی یافته بود و همچنین؛ قراگوزلو و همکاران (۱۳۹۳) اشاره می‌کنند بیش‌ترین تأثیر اسکان مجدد این روستاها در زمینه

کالبدی و زیست‌محیطی بوده است و همان‌طور که پیش‌تر آمد وضعیت این دو سرمایه در پژوهش حاضر نیز از سایر مؤلفه‌ها مناسب‌تر بود. بر این اساس؛ فرضیه پژوهش تأیید می‌گردد. البته بایستی بر این نکته تأکید داشت که ارتقاء در سرمایه‌های معیشت‌پایدار به‌طور کامل محقق نشده است. بر این اساس، می‌توان بیان داشت:

الف) از آنجایی که، سکونتگاه‌های روستایی به‌عنوان یک سیستم عمل می‌نمایند. همواره، تحت تأثیر رویدادها (از جمله سیاست اسکان مجدد) در اجزا (زیر نظام‌ها) روندهای مختلفی پیدا می‌کنند. در محدوده مورد مطالعه روندهای شکل‌گرفته در چارچوب معیشت‌پایدار یکپارچه شکل نگرفتند. در این زمینه برخی از سرمایه‌ها از وضعیت مناسب‌تر نسبت به سرمایه‌های دیگر پیدا نموده‌اند. از این رو، این رویداد نتوانسته است آن‌چنان‌که بایسته روستاهای مورد مطالعه باشد را محقق نماید. بنابراین ضرورت رویکردی یکپارچه به اجرای سیاست مزبور الزامی است؛ جهت‌گیری نظام سیاست‌گذاری بر اولویت‌نوسازی محیطی در روستاهای جابجا شده، زمینه ارتقای وضعیت سرمایه‌های فیزیکی را فراهم نموده است؛

توجه صرف به نیازهای روستاییان آن‌هم از نگاه عوامل بیرونی و عدم توجه به مطالبات روستاییان و همچنین مهاجرت‌های فصلی، باعث کاهش پایداری معیشت از جنبه اجتماعی شده است.

همان‌طور که ادبیات پژوهش نشان داد توجه به تأثیرات اسکان مجدد بر جنبه‌های انسانی کمرنگ بوده است؛ وضعیت فعلی اجرای این سیاست در جوامع نیاز دارد اقدامات جدی صورت گیرد تا اسکان مجدد از یک گزینه مناسب برای توسعه روستا به یک تهدید جدی برای روستا تبدیل نشود. بنابراین، برای دستیابی به این مقصود با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای زیر در پنج بعد (سرمایه اجتماعی، سرمایه طبیعی، سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی و سرمایه مالی) ارائه و توصیه می‌گردد.

مستندسازی تجربه سیاست جابه‌جایی در بخش مرکزی شهرستان آوج؛

ایجاد نظام پایش و ارزشیابی در کمیته مدیریت بحران شهرستان آوج؛

کتابنامه

- آلبا، عبدالله؛ ۱۳۹۰. تحلیل تأثیر تعاونی‌های مرزنشینان بر معیشت‌پایدار روستایی شهرستان سراوان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: دکتر مرتضی توکلی. جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه زابل.
- بدری، سید علی؛ ۱۳۸۰. ارزیابی پایداری راهبرد اسکان مجدد روستایی (مطالعه موردی مجموعه ادغامی آب بر). رساله دکتری، استاد راهنما: دکتر عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری. جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس.
- جلالیان، حمید؛ ۱۳۹۴. جزوه درسی برنامه‌ریزی مدیریت ریسک و مخاطرات در مناطق روستایی. دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی.

- جمعه پور، محمود؛ احمدی، شکوفه؛ ۱۳۹۰. تأثیر گردشگری بر معیشت پایدار روستایی (مطالعه موردی: روستای برغان، شهرستان ساوجبلاغ). پژوهش‌های روستایی. شماره ۱، ۳۳-۶۳.
- حیدری ساریان، وکیل؛ مجنونى توتاخانه، علی؛ نقابى، محبوبه؛ ۱۳۹۵. بررسی و ارزیابی تأثیر الگوهای اسکان مجدد بر تغییرات سرمایه اجتماعی در روستاهای زلزله‌زده (مطالعه موردی: روستاهای زلزله‌زده شهرستان ورزقان). جغرافیا و توسعه. شماره ۴۳، ۷۰-۵۱.
- خنیفر، حسین؛ امیری، علی‌نقی؛ جندقی، غلامرضا؛ احمدی آرم، هادی؛ حسینی فرد، سید مجتبی؛ ۱۳۸۸. درگیر شدن در کار و رابطه آن با عدالت سازمانی در چهارچوب نظریه مبادله اجتماعی و فرهنگی. مدیریت فرهنگ‌سازمانی. شماره ۲۱، ۲۰۰-۱۷۷.
- خیری، شقایق؛ ۱۳۸۲. رهیافت معیشت پایدار و جایگاه آن در توسعه روستایی. جهاد، شماره ۲۶۱، ۸۷-۹۵.
- رضوانی، محمدرضا؛ کورکی، لیلیا؛ منصوریان، حسین؛ ۱۳۹۲. تأثیر اسکان مجدد بر کیفیت زندگی روستاهای آسیب‌دیده از سوانح طبیعی (مورد: شهرک زنجیران و شهرک ایثار - استان فارس). مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۴، ۹۷-۱۰۶.
- سازمان دهیاری‌ها و شهرداری‌ها؛ ۱۳۹۴. دانشنامه مدیریت شهر و روستا.
- سجاجی قیداری، حمدلله؛ صادقلو، طاهره؛ رئیسی، اسلام؛ ۱۳۹۳. سنجش سطح دانش مدیریت بحران مدیران محلی روستایی با تأکید بر زلزله (مطالعه موردی: دهستان گشت، شهرستان سراوان). پژوهش‌های روستایی. شماره ۳، ۵۶۴-۵۴۱.
- سعیدی، عباس؛ حسینی حاصل، صدیقه؛ ۱۳۸۸. شالوده مکان‌یابی و استقرار روستاهای جدید. انتشارات شهیدی، چاپ دوم.
- شایان، حمید؛ حسین زاده، سیدرضا؛ خسرویگی، رضا؛ ۱۳۹۰. ارزیابی پایداری توسعه روستایی (مطالعه موردی: شهرستان کمیجان). جغرافیا و توسعه. شماره ۲۴، ۱۲۰-۱۰۱.
- قراگوزلو، هادی؛ عیسی لو، علی‌اصغر؛ گراوند، فرزاد؛ ۱۳۹۳. ارزیابی اثرات کالبدی-فضایی جابه‌جایی در سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: دهستان ملاوی، شهرستان پلدختر). فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای. شماره ۱۶، ۱۲۵-۱۳۶.
- مرکز آمار ایران؛ ۱۳۹۰. سرشماری عمومی و نفوس و مسکن.
- نوروزی، ملیحه؛ ۱۳۹۱. سنجش میزان رضایت‌مندی روستاییان از اسکان در مجتمع‌های زیستی روستایی احداث‌شده پس از رویداد زلزله (مطالعه موردی: شهرستان زیرکوه). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: دکتر علی حاجی‌نژاد. جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

Bebbington, A., 1999. Capital and capabilities: a framework for analysing peasant viability, rural livelihoods and poverty. *World Development*, 12, 2021-2044.

Carney, D., 1999. *Sustainable livelihood Approaches: Progress and Possibilities for Change*. London: DFID.

Carrasco, S., Ochiai, C., & Okazaki, K., 2016. Disaster Induced Resettlement: Multi-stakeholder Interactions and Decision Making Following Tropical Storm Washi in Cagayan de Oro, Philippines. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 218, 35-49.

Cernea, M., 1997. African Involuntary Population Resettlement in a Global Context. *Environment Department Papers, Social Assessment Series, No. 045*.

- Chambers, R., & Conway, G. R., 1992. Sustainable rural livelihoods: practical concepts for the 21st century. IDS(UK). Discussion Paper 296.
- DFID., 1999. Sustainable Livelihoods Guidance Sheets. Department for International Development, London, UK: DFID.
- Donohue, C., & Biggs, E., 2015. Monitoring socio-environmental change for sustainable development: Developing a Multidimensional Livelihoods Index (MLI). *Applied Geography*, 62, 391-403.
- FAO., DFID., IFAD., UNDP & WFP., n.d. Forum on Operationalizing Participatory Ways of Applying Sustainable Livelihoods Approaches: Proceedings. A cooperative venture of the Department for International Development (DFID) of the United Kingdom, the Food and Agriculture Organization (FAO), the International Fund for Agriculture and Development (IFAD), the United Nations Development Programme (UNDP) and the World Food Programme (WFP).
- Internal displacement monitoring center., 2015. Global Estimates, people displaced by disasters, Norwegian Refugee Council.
- Kollmair, M., & St, Gamper., 2002. THE SUSTAINABLE LIVELIHOODS APPROACH. Development Study Group, University of Zurich (IP6).
- Ortolano, L., & K. K. Cushing., 2000. Grand Coulee Dam and Columbia Basin Project Case Study – Scoping Report. prepared for the World Commission Dams, Cape Town, South Africa.
- Serrat, O., 2008. The Sustainable Livelihoods Approach. Mandaluyong: ADB.
- Xu, J., Wang, Z., Shen, F., Ouyang, C., & Tu, Y., 2016. Natural disasters and social conflict: A systematic literature review. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 17, 38-48.